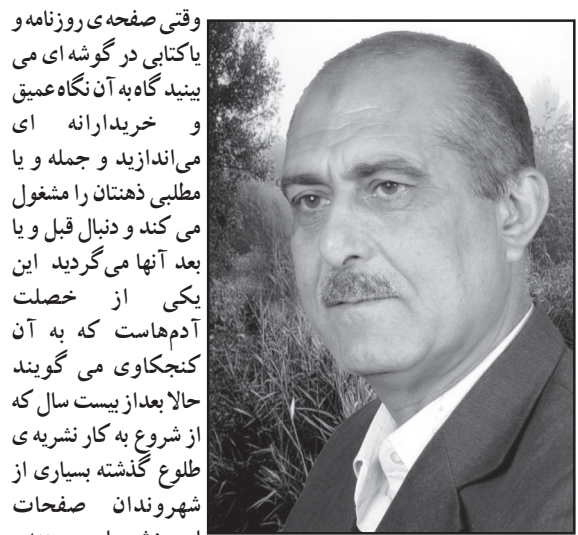


کازرون جزء کجاست؟!

منوچهر حبیبی



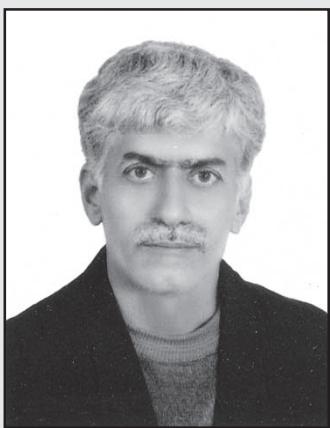
وقتی صفحه‌ی روزنامه و با کتابی در گوشه‌ای می بینید گاه به آن نگاه عمیق خریدارانه ای می‌اندازید و جمله و یا مطلبی ذهنتان را مشغول می‌کند و دنبال قیل و یا بعد آنها می‌گردید این یکی از خصلت آدم‌هاست که به آن کنجکاوی می‌گویند

حالا بعد از بیست سال که از شروع به کار نشریه‌ی طلوع گذشته بسیاری از شهروندان صفحات امروز را می‌بینند و می‌خوانند اما همچنان نگران و کنجکاوند که با گذشت این همه سال و با همکاری و تلاش شماری از دوستان که برخی در میان ما نیستند قصه‌ی کازرون چه می‌شود

یقیناً کم‌نیستند شهروندانی که باور دارند در آینده سرگذشت کازرون را باید از لابلای صفحات نشریات این شهر کهن خوانند صفحاتی که هرروز و هر هفته با تلاش عاشقان این شهر، فرهنگیان و دانشگاهیان، نویسندگان، شاعران خوش ذوق و... در تاریخ این شهر ثبت می‌شود و امروز همکاران در این نشریه سهم بزرگی در این تاریخ نگاری دارند تا آیندگان بیش از پیش و در واقع بیشتر از پدران و مادران و اجداد خویش از سرگذشت این شهر و آنچه بر آن رفته باخبر شوند از خطاها عبرت گیرند و قدرت زحمات شیفتگان، دلسوزان و دوستداران واقعی که از جان و دل برای سرپلندی عزت و اعتبار این شهر و مردمش تلاش کرده‌اند را بدانند و هیچگاه فراموش نکنند که اگر کازرون ماند و نمرداد اگر کازرونی فرهنگ اصیل و غنی ایرانی اش را حفظ کرد اگر کازرونی همچون سرو در مقابل تندبادهای همچنان پابرجاست به لطف تلاش و همت اسطوره‌هایی بوده‌است که شجاعت غیرت و تعصب شان مثال زدنی بوده و هست و گرنه هر جایی غیر از کازرون و هر مردمی غیر از مردم صبور، فهیم و آگاه کازرون بودند تا کنون نام و نشانی از آنان باقی نمانده بود چه رسد که این چنین با گام‌های استوار رو به جلو حرکت کنند و با بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌هایی که صورت گرفته نهال امید و امیدواری را نشانند.

آری ۱۸ بهمن ماه طلوع بیست و یک ساله شدن با همه کمی و کاستی‌ها، با همه مشکلات ادامه یافت تا همچنان نقش اطلاع رسانی که اولین و مهمترین وظیفه‌ی هر رسانه‌ای است را انجام داده باشد اما کازرون با این چند نشریه با طلوع، سلمان، پیشاپور و شهر سبز با این همه سایت و عتیق و تعصب جایگاهش کجاست؟ شهر ما جز کجاست؟ شهری که هنوز کاری دومین شهر فارس بود و دو برابر بود شهر جمعیت داشت امروز کجاست؟ و چه بر سرش آمده؟ چرا با روزهای او جوش این همه فاصله دارد؟ شاید بگویید چه فاصله‌ای؟ کافیتست به صفحه ۳ شماره ۱۴۹۹ طلوع به تاریخ یکشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۳

نا گفته های جلسه اضطراری



شنبه ۲۳ دی ماه جلسه ای اضطراری در فرمانداری تشکیل شده بود. که علاوه بر فرماندار و معاونین، مدیران منابع آب، آبیاری، آبفا، آبفای روستایی، برق، جهاد کشاورزی و شهرداران نودان و بالاده حضور داشته‌اند. ظاهراً هدف از تشکیل این جلسه هم اندیشی برای رهایی از خشکسالی و کم آبی بوده است. این جلسه بیشتر به مرتبه خشکسالی و کاهش باران و افت سطح آب سفره های زیر زمینی و کاهش آب چشمه ساسان، ضعف مدیریت و استفاده ناپجای آب شرب در کشاورزی گذشته است و مهمترین راهکارهای ارائه شده عبارت از تغییر مصرف آب در کشاورزی و کشت جایگزین و محدودیت و کنت صیفی جات و احتمال جیره بندی آب و فرهنگ سازی مصرف بهینه آب بوده است. همه این بحث ها و راهکارها صحیح و بجا است و رد و نقد هیچ یک از موارد یاد شده مورد نظر نگارنده نیست، بلکه آنچه می خواهم بگویم این است که اگر حتی همه راهکار های ارائه شده اجرایی شود باز هم کافی نیست زیرا مشکل اصلی که موجب خشکسالی و کمی بارندگی است به قوه خود باقی خواهد ماند.

مجموعه راهکارهای ارائه شده صرفاً رهایی از تبعات خشکسالی یا بسنده نمودن و قناعت و شاید بتوان گفت نوعی ریاضت طبیعی است نه رهایی از وضعیت موجود و پیش رو. زیرا اصل مشکل که خشکسالی و کم آبی است به قوه خود باقی خواهد ماند. در این جلسه که علاوه بر فرماندار و مسئولین مربوطه و سرکار خانم مصلائی هم که خود علاوه بر سوابق درخشان در شورای شهر و صاحب نظر بودن از فعالان محیط زیست می باشد حضور داشته به چند نکته اساسی و مهم کوچکترین اشاره ای نشده است تا چه رسد به تصمیم گیری درباره آنها. آن چند موضوع مهم و اساسی عبارتند از:

- ۱- توجه به عوامل باران زا: همانگونه که کراراً گفته و نوشته شده پوشش گیاهی زمین به ویژه درختان علاوه بر فواید بسیاری که دارند نقش مهمی در بارندگی دارند که متأسفانه چون مورد بی‌مهری واقع می‌شوند همواره رو به کاهش است و همین کاهش پوشش گیاهی از جمله عوامل جاری شدن سیل نیز می‌باشد که خطرات و زیان‌های آن بر کسی پوشیده نیست لذا ضرورت حفظ و افزایش آن ایجاب می‌کند که به این امر حیاتی توجه وافر و در تصمیم‌گیری‌های مسئولین حتماً لحاظ شود حال بگذریم از این که این امر نیازمند بسیج همگانی است.
- ۲- هدایت روان آبهای فصلی: در گذشته‌های نه چندان دور در بیابان‌های جنوب شهر چاه‌ها و کودال‌هایی بود که احتمالاً بمنظور مهار سیلاب‌ها و ذخیره و تغذیه سفره‌های زیرزمینی بوده‌اند و دیگر از این دست چاه‌ها خبری نیست و معلوم نیست آب باران‌های سیل آسا و آب‌های معروف به کوه شور به کجا هدایت می‌شود اما گمان نمی‌کنم تصبب سفره‌های زیرزمینی شوند که لازم به هدایت مدیریت شده است.

آنچه اکنون به نام خشکسالی گریبانگیر ما شده است نتیجه اقدامات نسنجیده خودمان است که نظام طبیعت را نه تنها دچار تزلزل بلکه دچار آشفتنگی کرده‌است. نتیجه‌اش هم همین است که باران نمی‌بارد و وقتی هم می‌بارد سیل جاری می‌شود در حالی که در گذشته‌های نه چندان دور بارش باران‌های تند و چند شبانه روزه موجب جاری شدن سیل نمی‌شد اما امروزه دقایقی باران تند موجب آب گرفتگی معابر و جاری شدن سیل می‌شود این است که می‌گویم نظام طبیعت را دچار تزلزل و آشفتنگی کرده ایم. و چاره اش آشتی با طبیعت است طبیعی که موهبت الهی است و خداوند آن را نزد ما به ودیعه گذاشته است پس ما نباید به این امانت الهی خیانت کنیم زیرا خوب نگهداری از طبیعت به سود ما و خیانت به آن در نهایت به زیان خودمان است.

یادمان باشد با سد ساختن هم نمی‌توان به مدتی طولانی با بحران کم آبی مقابله کرد پس بایبید زرفنگر باشیم و زیر بنایی و ریشه‌ای با قضایای پیش رو برخورد کنیم. ضمناً اخیراً رئیس سازمان جهاد کشاورزی گفته است ۶۵۰ میلیارد تسهیلات خشکسالی به کشاورزان فارس پرداخت می‌شود. (روزنامه طلوع شماره ۱۴۹۷ یکشنبه ۵ بهمن) اگر چنین مبالغ هنگفتی صرف درختکاری و توسعه فضای سبز می‌شد شاید هوای استان چنان عالی می‌شد که برای بارانی شدن مستعد می‌کرد و از خشکسالی می‌رهاند. اما آیا به نظر شما کشاورزان فارس که از این تسهیلات بهره‌مند می‌شوند تا وجه آن چه خواهند کرد آیا از آن جهت رونق کشاورزی استفاده خواهند نمود یا با آن در شهر مغازه و منزل و اتمبیل لو کس خواهند خرید و زمینه ساز مهاجر تشان به شهر خواهند شد؟ مدتی پس از اخذ تسهیلات در این باره تحقیق شود تا معلوم بشود در چه مسیری هزینه شده است؟

محمد جعفر مبصری

خاطرات معلمی، شهرداری و نویسندگی علی بابا ربیعی

مصاحبه اختصاصی قسمت دوم



دو روز قبل از فرارسیدن عید نوروز ۱۳۴۸ جوانی وارد دفتر کارم شد. بعد از احوال پرسی گفتم چه خدمتی می‌توانم برایت انجام دهم؟ او گفت کاری نداشته‌ام! فقط سوالی داشتم گفتم امر بفرمایید. گفت شما شهردار هستید؟ گفتم بلی هستم گفت تا به حال برای جناب استاندار چه فرستاده‌اید؟ گفتم شما جکار ماید؟ گفت من در روزنامه فلان در شیراز کار می‌کنم و با جناب استاندار هم مربوط می‌باشم. گفتم منظورتان را درست نفهمیدم او گفت مثل این که شما داخل خط نیستید. گفتم باز هم منظورتان را خوب نفهمیدم واضح تر بفرمایید گفت: معمولاً شهردارها سالیانه چیزی مانند قالی یا پول یا ... به استاندار و همچنین به روزنامه‌ها هدیه می‌دهند تا بتوانند در شهرداری بمانند و به مردم خدمت کنند شما چگونه شهرداری هستید که به این مسئله توجه ندارید؟ گفتم من حقوق به هزینه زندگانی نمی‌رسد چگونه می‌توانم هدیه‌ای به کسی بدهم. ایشان گفتند: مسئله حقوق نیست این یک رسم است گفتم شما صبح هم می‌فرمایید. به یاد فرمایش جناب فرماندار افتادم که او هم پول می‌خواست و دانستم که خانه از پای نیست ویران است و البته و صد البته که تا در شهرداری بودم هدیه‌ای به کسی ندم و نگرفتم، اما این موش و گربه بازی همچنان ادامه یافت و متوجه شدم که افرادی هم که در انجمن شهر هستند هر کدام خود توقعات خاصی دارند و کارمندان نیز هم ... من تا تمام صبر و تحملی که داشتم دیدم که در شهرداری جای من و کار من نیست بنابراین روزی تصمیم به استعفا گرفتم و خود را از کار در شهرداری نتجات دادم.

از شرایط اجتماعی آن موقع کازرون چه خاطره‌ای دارید؟
داروغه

من سومین فرزند از پنج فرزند بایقمانده دوازده پسر هستم که مادرم به دنیا آورده. پدرم اسماعیل فرزند رضا ... و پدرم سوا داشت قرآن، شاهنامه، حافظ و فلکناز را به خوبی می‌خواند کاسب بازار و بنکدار بود در کازرون (۱۰۰ سال قبل) ملکی روزی (گیوه دوزی) در کازرون رونقی خاص داشت. پدرم گیوه‌های موجود در بازار را جمع آوری می‌کرد در صندوق‌های گذاشت و با کاروان‌هایی که به هندوستان می‌رفتند به شهرهای آنجا می‌فرستاد تا سال‌ها سال نامه‌هایی که تمسیر هندی بر روی پاکت آن‌ها بود در خانه ما موجود داشت و ما بچه‌های کوچک با آن تمسیر بازی می‌کردیم. پدرم در خانه پول را نمی‌شمرد چون پول‌هایی که رد و بدل می‌کرد همه دو ریالی احمد شاهی بود که از نقره بود بلکه پول را با قیاق وزن می‌کرد. ما قیاقی آهنی داشتیم که دسته‌درازی داشت این دسته تقریباً یک متر طول و چهار پهلوی بود (به صورت مکعب مستطیل یا ساقه پونه) که در یک سمت آن یک من کازرون (۱۰۴۴ مثقال) و در سمت دیگر یک من پوشه و سمت سوم یک من شیراز و قسمت چهارم یک من تبریز (۳ کیلو گرم) حک شده بود در انتهای قیاق چنگکی بود که به سقف اطاق یا به گریه دیگر در هوا وصل می‌شد و دسته در قسمت چنگک ۳ زنجیر آهنی داشت که به یک کپه در پایین وصل می‌گردید و موضوع وزن کردن درون زنجیر و روی کپه تراز و قرار می‌دادند و زنه دیگری بود که بر روی دسته حرکت می‌کرد و مقدار وزن کردن را نشان می‌داد این نوع قیاق‌ها هنوز وجود دارد ولی مورد استفاده نمی‌باشد. پول را معمولاً با من کازرون وزن می‌کردند به این صورت که هر یک من کازرون صد تومان قبول داشتند. پدرم پول زیادی داشت که در اطاق‌های ۱۸ لیتری نفت و یا در نیم خمره‌های دیگر نگه می‌داشت و در انتهای اطاق‌های آخر خونه در زیر زمینی جال می‌کرد و سالی یک بار آن پول‌ها را بیرون آورده و تمیز می‌کرد و دوباره در جای خود قرار می‌داد. در آن زمان (۱۰۰ سال قبل) هر شهری کلاتری داشت و کلاتر شهر معمولاً سمت کلاتری را از فرمانروای فارس اجاره می‌کرده

قهرمانی تیم والیبال اول متوسطه شهید شیر افکن

سرویس خبری/ حمیدرضا بشکار: به گزارش سرویس خبری یک دوره مسابقات والیبال بین مدارس پسرانه در مقطع راهنمایی که همه ساله در دهه فجر در مجموعه ورزشی شهید فهمیده اجرا می‌شود برگزار گردید. تیم اول متوسطه شهید شیرافکن موفق شد با شکست تیم خوب شهید محسن پور در بازی فینال بعد از چند سال که نتوانسته بود طعم قهرمانی را بچشد؛ با بازیکنان یک دست خود با مربیگری کرامت کریمی جام قهرمانی را از آن خود کند.

این بازیها با حضور ۶ تیم به صورت دوره‌ای در دو گروه سه تیمی از تاریخ ۱۱ لغایت ۱۳/۱۱/۹۳ در مجموعه ورزشی شهید فهمیده زیر نظر معاون پرورشی و کارشناس تربیت بدنی و مسئول انجمن والیبال طی سه روز برگزار شد. شاگردان کرامت کریمی دیدار فینال را با ترکیب سلیمانی، بهمن نژاد، محمد حیدری، علی حیدری، محمد هزبری، احمد قره قانی، شش بازیکن اصلی

مهدی خشتی بخشدار چنارشاهیجان:

پروژه های متعددی در دهه فجر افتتاح خواهد شد



شکوهمند ۲۲ بهمن ماه به اوج خود خواهد رسید. مهدی خشتی افزود: پروژه های متعددی از جمله مرکز بهداشتی و درمانی انارستان، روکش آسفالت جاده روستایی پیر سبز، ساختمان فنی و حرفه ای قائمیه از جمله پروژه هایی است که باکمال افتخار به خانواده های معظم شهدا و ایثارگران و مردم شریف بخش تقدیم خواهد شد.

مردم متدین قائمیه و کوهمره نودان در ۹ ماهه سال ۹۳ بیش از ۷۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال صدقه پرداخت نموده اند

۹۳ گذشته خیر داد. ایشان گفت کسانی که در اندیشه طهارت روح خویش هستند و می‌خواهند مسیر معرفت و کمال را ببیمایند می‌بایست به صدقه به عنوان یکی از ابزارهای کار آمد در تحقیق تزکیه و طهارت نفس توجه داشته باشند و از این ابزار به خوبی بهره گیرند و چه زیبا خداوند در آیه ۱۲ سوره مجادله صدقه را از موجبات تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی معرفی می‌کند و از مردم می‌خواهد برای طهارت نفس از هر گونه زشتی‌ها و آلودگی‌ها از صدقه به عنوان پالایشگر استفاده کنند. وی افزود مردم نیکوکار و متدین دو بخش چنارشاهیجان و کوهمره نودان در ۹ ماهه سال ۹۳ بالغ بر ۷۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال صدقه پرداخت نموده‌اند و این کمکها را حاصل اعتماد مردم خیر اندیش به کمیته امداد امام خمینی (ره) دانسته که از حسن اعتماد مردم تقدیر و تشکر نمود. همچنین آن مسئول اضافه نمود کمک‌های جمع‌آوری شده موجب حل بسیاری از مشکلات درمانی - تحصیلی - ازدواج - مسکن و معیشت نیازمندان محرومین و خانواده‌های تحت حمایت این نهاد گردیده است.



به گزارش روابط عمومی: افراسیابی رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) قائمیه از پرداخت صدقه مردم متدین قائمیه و کوهمره نودان در ۹ ماهه سال